

محمدرولی علیبی، جمعیت‌شناس در گفت‌وگو با «جوان»:

مدرنیته اصالتاً ضد خانواده است



۶۶

برای نسل جوانی هستیم که از طریق رسانه و شبکه‌های مجازی ناامیدی یا در واقع یأس را برای‌شان در طول این سال‌ها رقم زده‌اند. لازمه اصلاح مسائل جمعیتی، زدودن این ناامیدی از ذهن جوانان است، و گرنه در گذشته یک‌هزارم این امکانات در جامعه وجود نداشت. در گذشته بدون شغل، ماشین، منزل و خیلی از امکانات ازدواج می‌کردند. امروزه این دغدغه‌های کاذب را به باور جوانان رسانده‌اند و واقعاً مسئله و چالش ما اینهاست که ویرانگر است، و گرنه مشکلات اقتصادی همیشه بوده است. حالا اینکه چرا امروز اینقدر مشکلات بزرگ می‌شود، علتش در واقع حجم گسترده رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی است که روی افکار عمومی کار می‌کنند و پادزهری هم برایش وجود ندارد.

راهکار پیشنهادهی شما به عنوان کارشناس چیست؟

این مسئله اگر راهکاری داشته باشد، قطعاً نیازمند اجماع اندیشمندان و نخبگان است. از نگاه من راهکار این ماجرا بیشتر کار فرهنگی است. جامعه و نسل جوان باید به ثبات برسد و امیدوار شود و بداند که زندگی همین است و از گذشته هم همین بوده و در آینده هم به همین روال خواهد بود و باید آن را بپذیرفت و زندگی را ساخت. حالا من وارد بحث فلسفی‌اش نمی‌شوم. مدرنیته اصالتاً ضد خانواده است. قبل از اینکه ما گرفتار این ماجرا شویم، کشور‌های غربی گرفتار مدرنیته بوده‌اند و امروز تمام کشور‌های غربی و کشورهای غربی که در حاشیه‌های غرب هستند، گرفتار چنین فضایی شده‌اند و ما نیز در حال گذشتن از این مرحله هستیم. ما باید به این نکته توجه کنیم که مشوق‌های‌شان خیلی هم قوی است، نه اینکه فکر کنید حالا حواله یا وامی می‌دهند. دادن خانه به افرادی که فرزندآوری دارند و دادن خانه به شرط تملیک برای فرزندان سوم و چهارم از جمله مشوق‌هایی است که در کشورهای دیگر برای مقوله فرزندآوری وجود دارد. الان کشور فرانسه که پیشرو این قضیه است، چیزی حدود ۴۷٪ تا ۴۹٪ درصد تولید ناخالص ملی را به این قضیه اختصاص داده است و مشوق‌های‌شان آنقدر بالاست که ما تصور را هم نمی‌توانیم بکنیم. با تمام اینها بازهم در حل مشکلات جمعیتی موفق نبوده‌اند، البته قضیه باید به گونه دیگری حل شود، برنامه‌ریزی می‌خواهد و عمدتاً فرهنگی است.

یعنی شما تأثیر چالش‌های اقتصادی بر موضوع جمعیت را چندان جدی نمی‌دانید؟

ما نیازمند رسیدن به ثبات در زندگی و معیشت و آینده

است. همان طور که شما اشاره داشتید در آمار هم هست، تولد فرزند سوم و چهارم بیشتر شده است، یعنی ما در حال حاضر چالشی که داریم چالش ازدواج است؟

اینکه ازدواج کاهش یافته است شکی نیست، با اینکه حتی وقتی ازدواج هم صورت می‌گیرد، تولد فرزند اتفاق نمی‌افتد. بسیاری از خانواده‌ها امروز ترجیح می‌دهند یا بدون فرزند باشند یا حداکثر یک فرزند دارند که آن هم فرزند هشت، ۱۰ ساله و بالاتر است.

شما اشاره داشتید که وضعیت کنونی نگران‌کننده است. این آمار افزایش فرزندان سوم و چهارم نگران‌کننده است یا اینکه خانواده‌ها تمایلی به داشتن فرزند ندارند؟

اینکه گفته می‌شود شتاب کاهش جمعیت کم شده مربوط به موارد تولد فرزندان سوم و چهارم است. درست است به لحاظ آماری و عددی موالید کمتر کاهش پیدا کرده است ولی ما مشکل ازدواج و فرزندآوری را همچنان داریم. اینکه حالا عنوان می‌شود شتاب کاهش جمعیت کمتر شده است، شاید در جامعه آرامشی ایجاد کند.

جامعه که نگرانی ندارد شما این را مطمئن باشید. به اصطلاح برنامه‌ریزان و قوانین بالادستی و حکمرانی باید نگران باشند، و گرنه افراد عادی که می‌گویند وقتی شرایط برای مان فراهم نیست، چرا فرزندآوری داشته باشیم. مردم عادی نه نگرانی دارند و نه اینکه در بند یا در گیر موضوع هستند. این موضوع بیشتر به لحاظ حاکمیت مسئله است. **آیا اجزای قانون جوانی جمعیت باعث شیب کاهش جمعیت شده است، یعنی ما توانسته‌ایم بخشی از خانواده‌ها را اتراع کنیم؟**

نه اینکه بگوییم صفر است اما سهم این قانون بسیار اندک است. بیشتر حس می‌کنم برای آنهایی که به نظام و در واقع حاکمیت اعتقاد دارند یا به عبارت ساده‌تر کسانی که مقیدات دینی، اعتقادی خانواده و مذهب دارند، تأثیرگذار بوده است، و گرنه این مصوبات و این تسهیلات معافیت‌های قانون جوانی جمعیت بسیار اندک بوده است. اینها را بیشتر مستند به تجاربی که در کشورهای توسعه‌یافته گرفتار این بلایا هستند، می‌گویم. آنها هم هیچ وقت نتوانستند

«در دو سال اخیر جلوی کاهش جمعیت گرفته شده و در سال ۱۴۰۲ سن زایمان مادران پایین‌تر آمده است» این خبر خوبی است که حسین فرشیدی، معاون بهداشت وزیر بهداشت در نشست خبری خود به مناسبت هفته ملی جمعیت اعلام کرد. صابر جباری، مسئول دبیرخانه قرارگاه جوانی جمعیت وزارت بهداشت مستقال است: پس از اجرای قانون حمایت از خانواده از سال ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۲ روند کاهش موالید در کشور با شیب کمتری ادامه یافت که امیدواریم در سال ۱۴۰۳ این رقم افزایشی شود. با وجود این اما نگاه همه کارشناسان به این مسئله ناآید کننده بهبود شرایط جمعیتی کشور نیست. همچنان که محمدرولی علیبی، جمعیت‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان» معتقد است این کاهش شتاب به ساخت جمعیت بازمی‌گردد و نگرانی‌ها از وضعیت جمعیتی کشور و پاپر جاست. از نگاه این کارشناس آمار تولد فرزندان اول بسیار نگران‌کننده است، واکاوی آمارهای اخیر جمعیتی از منظر جمعیت‌شناسی موضوع گفت‌وگو می‌با این کارشناس حوزه جمعیت است که در ادامه می‌خوانید.

در بحث وضعیت جمعیتی با توجه به روز ملی جمعیت و آماری که اخیراً وزارت بهداشت اعلام کرده، روند کاهش نرخ رشد جمعیت کند شده است. آیا شما به عنوان یک جمعیت‌شناس این موضوع را تأیید می‌کنید و آیا نگرانی‌ها کم می‌شود یا همچنان نگرانی‌ها وجود دارد؟

به هیچ عنوان جای تأمل و دلخوشی نیست. این افراد جمعیت‌شناس نیستند. این کاهش شتاب جمعیت به ساخت جمعیتی بازمی‌گردد. شتاب با سرعت فرقی می‌کند. شتاب در واقع ضریب خط منحنی است. شتاب کمی کم شده است اما این مسئله باعث جمعیتی را تلطیف نمی‌کند، آن هم بلا کنترل متغیری به نام تولد فرزندان بعدی نه فرزندان اول! آمار تولد فرزندان اول متأسفانه خیلی نگران‌کننده است. اینکه فرزندان متولد شده‌اند فرزند دوم، سوم به بعد هستند و این نشان می‌دهد خانواده‌هایی که ثبات و دوام دارند و به لحاظ معیشتی از حداقل متناسبی برخوردارند، اقدام به فرزندآوری کرده‌اند ولی این قضیه را برای ازدواج و فرزندآوری در نوبت اول و دوم حل نکرده



رژه دانشجویان اوج



معرفی کتاب «جمعیت، قدرت، معیشت»

تأثیر کهنسالی

بر اقتصاد و قدرت سیاسی در جهان کتاب جمعیت، قدرت، معیشت نوشته ریچارد جکسون و نیل هو بررسی دقیق و همه‌جانبه‌ای از بحران پیری در جوامع پیشرفته را نشان می‌دهد. این پدیده در نتیجه پایین آمدن نرخ باروری است و هشدار می‌دهد که در صورت عدم اقدام فوری، اقتصاد و قدرت جهان در خطر است. کتاب تأثیر کهنسالی را با دقت بیان می‌کند.

در باره کتاب جمعیت، قدرت، معیشت

صحبت کردن از چند دهه آینده، از نظر بسیاری، پیشگوی خوانده می‌شود. جامعه‌شناسان به راحتی نمی‌توانند پیش‌بینی و تحلیل‌های خود را از آنچه اتفاق خواهد افتاد، حتی مبتنی بر فرضیاتی محکم و مستدل بیان کنند، اما دانش جمعیت‌شناسی در پیش‌بینی‌های خود با دقتی بیشتر می‌تواند اظهار نظر کند. کتاب جمعیت، قدرت، معیشت (The Graying of the Great Powers) با استفاده از همین دانش با پیش‌بینی رشد، میانگین سنی و رده‌های سنی جامعه به این نکته می‌پردازد که پیش‌بینی‌های این دانش کمتر از اشتباهات مواجه می‌شود چرا که این ارقام و تقریب‌ها با توجه به آمار در سه مؤلفه زادوولد، مرگ‌ومیر و مهاجرت صورت می‌گیرد، البته باید خاطر نشان کرد در این بین ممکن است اتفاقاتی خاص نیز رقم بخورد، مثل بیماری‌های اپیدمی، جنگ‌های عظیم و حوادثی که رقم این سه مؤلفه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

کتاب جمعیت، قدرت، معیشت نوشته ریچارد جکسون و نیل هو با بررسی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، خواهیم دید این بحران محدود به یک کشور یا یک منطقه نیست و گریبانگیر کشورهای بزرگ نیز است. این کتاب به بررسی عواقب سیاسی این بحران بر اهمیت جغرافیای سیاسی صحنه می‌گذارد. این کتاب به سوی راحل پیش می‌رود و با بررسی گذشته نزدیک پیشنهادهایی را نیز ارائه می‌کند.

در بخشی از کتاب ریچارد جکسون و نیل هو در کتاب جمعیت، قدرت، معیشت خاطر نشان می‌کنند که بر خلاف نظر عده‌ای از جامعه‌شناسان در این باب که پیری در جوامع راهی به سوی صلحی جهانی است، خاکستری شدن سن جمعیت خطراتی گریبانگیر قدرت‌های بزرگ خواهد کرد. این تغییرات در جغرافیای سیاسی سبب بروز مشکلاتی که تا پیش از این وجود نداشت، می‌شود. سالخورده‌گان هیچ موقع درصدی به این میزان از جمعیت به خود اختصاص نداده بودند. همچنین این روند به بالا رفتن این نرخ نیز منتهی می‌شود. ضروری است سیاستگذاران از هم‌پایندگی به پیامدهای این تحولات بپندیشند تا آنکه در انتظار وقوع شگفتی قریب‌الوقوع و قابل‌پیش‌بینی جمعیتی، باقی بمانند.

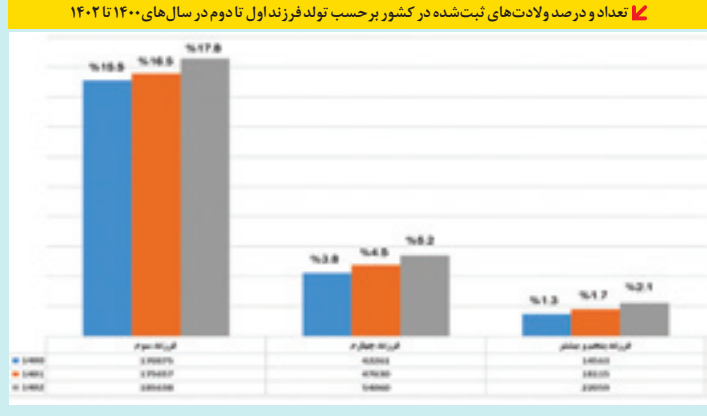
کتاب جمعیت، قدرت، معیشت نوشته ریچارد جکسون و نیل هو با ترجمه حمیدرضا خطیبی از سوی انتشارات دنیای اقتصاد منتشر شده و در اختیار شماست.

بخشی از کتاب «جمعیت، قدرت، معیشت» می‌خوانیم: آمریکا با متوسط دو فرزند برای هر زن، به لحاظ میانگین نرخ زاد و ولد در بالاترین رده کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرد. علاوه بر این، ایالات متحده در کنار فرانسه، ایسلند، ایرلند و نیوزیلند، تنها کشوری است که نرخ زاد و ولد آن به نرخ جایگزینی (تعداد افرادی که برای جایگزینی در گذشتگان و حفظ جمعیت یک جامعه مورد نیاز است) ۱/۲ که برای ثبات جمعیت این کشور از نسلی به نسل دیگر باید حفظ شود، نزدیک است. ایالات متحده همچنین از معدود کشورهای است که می‌تواند امواج عظیم مهاجران را بدون آنکه به اصطلاح «برشتاد» دچار «سوء‌هاضمه فرهنگی» شود، به سوی خود جذب کند. جامعه آمریکا با میانگین سنی ۳۶ سال (آمار سال ۲۰۰۵)، سهم ۱۲ درصدی سالمندان و جمعیت و ضریب وابستگی سالمندان ۲/۱ با هر مقیاسی از جوان‌ترین کشورهای توسعه‌یافته جهان محسوب می‌شود. علاوه بر اینها، شکاف سنی بین آمریکا و بقیه جهان توسعه‌یافته، رو به گسترش و نه کم شدن است. در حالی که در ایالات متحده، میانگین سنی جمعیت در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۵۰ در حد چهار سال افزایش خواهد یافت (از ۳۶ سال به ۴۰ سال)، این رقم در اروپای غربی طی مدت یادشده تا ۲۰۵۰ سال (از ۴۰ سال در حال حاضر به ۴۹ سال در سال ۲۰۵۰) و میانگین سنی جامعه زاین هم تا ۱۳ سال (از ۴۳ سال در حال حاضر به ۵۶ سال تا نیمه قرن جاری) افزایش خواهد یافت. در سال ۲۰۵۰، زمانی که ۲۹ درصد آمریکایی‌ها سالمند خواهند بود، تعداد سالمندان اروپای غربی به ۳۱ درصد و در زاین به ۳۹ درصد جمعیت بالغ خواهد شد.

این فاصله سنی در حال ظهور با شکاف در رشد جمعیت (بین امریکا و بقیه جهان توسعه‌یافته) نیز همراه خواهد بود. همچنان که سایر نقاط جهان توسعه‌یافته در حد فاصل سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۵۰ بیش از ۱۸ میلیون نفر از ساکنان خود را از دست خواهند داد، به جمعیت آمریکا در این مدت ۱۹ میلیون اضافه خواهد شد. در اواسط دهه ۲۰۲۰ ایالات متحده تنها کشور مهم توسعه‌یافته خواهد بود که تعداد کودکان و نوجوانان زیر ۲۰ سال آن، بیشتر از سالمندان بالای ۶۵ سال خواهد بود و در همین حال، آمریکا در کنار استرالیا، ایرلند، لوکزامبورگ و نیوزیلند، تنها کشوری خواهد بود که نیروی کار آن رو به افزایش است.

واکاوی چرایی کاهش رشد تولد فرزندان اول و دوم و افزایش تولد فرزندان سوم به بعد

از ساختارهای سنی جمعیت تا مشوق‌های قانون جوانی



افزایش نسبی داشته است. یکی از علل افزایش نسبی می‌تواند به اجرایی شدن مشوق‌های متعدد در نظر گرفته‌شده در مواج مختلف مرتبط با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مرتبط باشد. با ملاحظات نظری و شواهد تجربی استنباط می‌شود که در کمتر از حد جایگزینی تثبیت شود. در خصوص تعداد ولادت‌های ثبت‌شده کشور بر حسب ترتیب تولد فرزندان، شواهد آماری نشان می‌دهد تولد فرزند سوم، چهارم، پنجم و بیشتر در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

بهر داند. ضروری است پس از ارزیابی اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، ابعاد مختلف این مسئله مورد واکاوی بیشتری قرار گیرد. در غیر این صورت به احتمال زیاد، انتظار می‌رود تعداد تولدها با شیبی معنادار کاهش یابد و نرخ باروری، در کمتر از حد جایگزینی تثبیت شود. در خصوص تعداد ولادت‌های ثبت‌شده کشور بر حسب ترتیب تولد فرزندان، شواهد آماری نشان می‌دهد تولد فرزند سوم، چهارم، پنجم و بیشتر در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

از مرحله ازدواج و فرزندآوری عبور می‌کنند و به اصطلاح توان درونی جمعیت، در حال کم‌شدن است. به عبارت دیگر این حقیقتی انکارناپذیر است که تعداد موالید به میزان قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر نوسانات تعداد زنان در سن باروری است. یکی دیگر از علل مهم آن به افزایش سطح تحصیلات زنان مرتبط است، به عبارت دیگر، باعث شده است هزینه فرصت فرزندآوری زنان تحصیلکرده، آنقدر بزرگ شود که آنان تمایلی نداشته باشند کار خود را رها کنند و به فرزندآوری و تربیت فرزند

پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران و منابع بین‌المللی، انتظار می‌رود در سال‌های آینده با کاهش بیشتر نرخ رشد جمعیت مواجه شویم. طبق آمارها تعداد و درصد ولادت‌های ثبت‌شده در کشور برحسب تولد فرزند اول تا دوم در سال‌های ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۲ شاهد روندی کاهش هستیم. یکی از دلایل مهم کاهش تعداد فرزندان اول و دوم با موضوع تغییر ساختار سنی جمعیت مرتبط است. به لحاظ اینکه جمعیت متولدشده در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (اوج تولدهای دهه‌های اخیر) به تدریج

بررسی زمینه‌های تاریخی روند رشد جمعیت در ایران، بیانگر این است که رشد جمعیت و باروری در دهه ۷۰ کاهش و در دهه ۸۰ نیز این روند کاهش ادامه داشته است. کاهش سریع نرخ باروری از ۶/۵ فرزند به ازای هر زن به طور متوسط در دهه ۶۰ به حدود ۱/۸ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۰ و افزایش جزئی آن تا حدود دو فرزند به ازای هر زن در پنج سال منتهی به سرشماری ۱۳۹۵ و سپس کاهش آن به حدود ۱/۶ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۴۰۲ در طول تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است. مطالعات انجام‌شده در مورد آینده تحولات باروری در ایران، نشان می‌دهد افراد متولدشده در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ (اوج تولدهای دهه‌های اخیر) به تدریج از مرحله ازدواج و فرزندآوری عبور می‌کنند و به اصطلاح توان درونی جمعیت، در حال کم شدن است و به احتمال زیاد، انتظار می‌رود نرخ باروری، در کمتر از حد جایگزینی تثبیت شود. همچنین متوسط نرخ رشد جمعیت از ۷ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به ۱/۲۴ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ رسیده است. نرخ رشد طبیعی جمعیت در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱/۷ درصد رسیده است. با توجه به اینکه نرخ باروری کماکان کمتر از نرخ مورد نیاز برای جایگزینی جمعیت است، مطابق

دریچه